

ویژگی‌های حدیث اهل سنت؛ از پیدایش تا نگارش

سید محمد کاظم طباطبائی^۱

چکیده

حدیث شیعه و حدیث اهل سنت دارای هویت‌های مستقل و متمایز از یکدیگر هستند. این پژوهش بر آن است تا اختصاصات حدیث اهل سنت را تبیین نماید. بر این اساس، مهم‌ترین ویژگی‌های حدیث اهل سنت در سه مرحله پیدایش، گزارش (روایت کردن) و نگارش، از منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده است. حدیث اهل سنت در مرحله نگارش دارای هفت ویژگی است: گستره زمانی محدود، اعتماد به قول صحابه، اعتقاد به عدالت صحابه، اثرپذیری از منع کتابت حدیث، نبود حدیث تقیه‌ای، پیدایش حدیث ساختگی و گسترش اسرائیلیات. در مرحله روایت احادیث نیز ویژگی‌های بخش قبل تأثیرگذار بوده و شاهد هفت ویژگی در مرحله گزارش هستیم که عبارتند از: گزارش شفاهی، گستردگی مناطق جغرافیایی، رحلات حدیثی، حملات حاکمان و اکثریت جامعه، تساهل اولیه و سخت‌گیری پسین، شمار فراوان اسناد و طرق و قدمت مباحث رجالی. اهل سنت به دلایل مختلف در کثرت و تنوع نگارش توفیقات ویژه‌ای داشته‌اند که به نظر می‌رسد هفت ویژگی آن‌ها در مرحله نگارش به شرح زیر است: مسند نویسی، صحیح نگاری، شمار فراوان نگاشته‌ها، شرح نویسی گسترده، معرفی روایات ساختگی، تنوع نگارش و اندک بودن ادعیه نگاری.

واژگان کلیدی: حدیث اهل سنت، ویژگی‌ها، اختصاصات، مرحله پیدایش، روایت و گزارش، تدوین و نگارش.

۱. دانشیار دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران؛ ()

مقدمه

در سده اخیر، کاوش درباره حدیث اهل سنت افزایش یافته و نگاشته‌های فراوانی در این زمینه منتشر شده است.^۱ علاوه بر عالمان اهل سنت، رویکرد مستشرقان در معرفی فرهنگ حدیثی سنی نیز قابل توجه است. آنان فرهنگ حدیثی اهل سنت را نمود اصلی فرهنگ و معارف اسلامی فرض کرده و درباره آن پژوهش کرده‌اند. ابهامات و نکات تقلیدپذیر مرتبط با آن را بزرگ نمایانده و تأثیرات این ویژگی‌ها بر باور مسلمانان را تحلیل کرده‌اند. برخی روشنفکران مسلمان و ناقدان داخلی نیز با این جریان همراهی کرده و به توضیح ویژگی‌های حدیثی اهل سنت پرداخته‌اند. این دو گروه با بزرگ‌نمایی برخی اشکالات و ابهامات فرهنگ حدیثی اهل سنت، این نقاط ضعف را به فرهنگ اسلامی تعمیم داده و آن را تضعیف می‌کنند.

در مقابل این هجوم، عالمان اهل سنت نیز به بیان ویژگی‌های مثبت فرهنگ حدیثی خود پرداخته‌اند. اکنون ضمن بیان ویژگی‌های حدیث اهل سنت، نقاط قوت و ضعف آن را برشمرده و از تعمیم نقاط ضعف آن به عموم فرهنگ اسلامی و مسلمانان، به ویژه حدیث شیعه، پرهیز می‌کنیم. مقایسه برخی از این ویژگی‌ها با ویژگی‌های حدیث شیعه، نشان‌دهنده تفاوت این دو حوزه حدیثی است که زمینه را برای بررسی و سنجش آن‌ها فراهم می‌سازد. ویژگی‌های حدیثی اهل سنت را در سه مرحله پیدایش، گزارش و نگارش بررسی خواهیم کرد.

الف. مرحله پیدایش

پیدایش علم روایت و علم درایت میان اهل سنت و جماعت از ویژگی‌هایی برخوردار است که بخشی از آنها ناشی از مبانی اعتقادی و بخشی دیگر برخاسته از رخداد‌های سیاسی و فرهنگی است. به هفت ویژگی در دوره پیدایش حدیث اهل سنت به اجمال اشاره می‌شود:

۱. گستره زمانی محدود

بنا بر اعتقاد اهل سنت، تنها پیامبر ﷺ از ویژگی عصمت برخوردار است؛ از این رو، ابلاغ آموزه‌های وحیانی و الهی نیز تنها به بازه زمانی ۲۳ ساله رسالت ایشان محدود خواهد بود. یعنی ابلاغ آموزه‌های قرآن و سنت، از نخستین لحظه بعثت آغاز شده و با رحلت پیامبر اکرم ﷺ پایان

۱. عنوان برخی از این نوشته‌ها از این قرار است: «الحديث والمحدثون»، محمد محمد ابوزهو؛ «دراسات فی الحديث النبوی»، محمد مصطفی الاعظمی؛ «السنة قبل التدوین»، محمد عجاج خطیب؛ «قصة الهجوم علی السنة»، علی احمد سالوس؛ «المدخل الی دراسة الحديث و السنة»، سر العشاء؛ «تاریخ السنة المشرفة»، اکرم ضیاء العمری؛ «اضواء علی السنة المحمدية»، محمود ابوریّه.

یافته است. تأمل در دوره‌های صدور روایات نبوی، نشان‌دهنده اندک بودن احادیث پیامبر ﷺ در دوره حضور ایشان در مکه است. از این رو شاکله سنت نبوی در فرهنگ اهل سنت، برگرفته از حضور ده ساله پیامبر ﷺ در مدینه است. مقایسه زمان صدور کوتاه ۲۳ ساله پیدایش حدیث نزد اهل سنت با دوره طولانی ۳۴۲ ساله القای حدیث در میان شیعیان، تفاوت‌های روشی و محتوایی میان احادیث شیعه و سنی را پدید آورده است.

۲. اعتماد به قول صحابه

زمان محدود ۲۳ ساله، ظرفیت بیان تمامی جزئیات و ظرایف احکام، معارف و اخلاق را ندارد. نیاز جامعه اسلامی به معارف، اقتضای پاسخگویی اصحاب فرهیخته پیامبر ﷺ را داشت. نیاز روزافزون مسلمانان به فهم ظرایف احکام فقهی و اعتقادی دین و جستجو برای یافتن منبع فراگیری آن، پس از پیامبر ﷺ محسوس بود. مراجعه نومسلمان یا نسل جدید جوانان مسلمان به فرهنگ پیشینیان، طبیعی می‌نمود. در نتیجه، گفته‌های اصحاب پیامبر ﷺ معتبر شمرده شد و اعمال آنان نیز الگوبرداری شد. به عبارت دیگر، گفتار و رفتار صحابه که انسان‌هایی عادی بودند به عنوان متن دین تلقی شد. عالمان اهل سنت در توجیه اعتبار بخشی به صحابه می‌گویند: «آنان از جانب خویش سخن نمی‌گفتند بلکه در صدد تبیین معارف نبوی و انتقال آن به دیگران بودند». اندک اندک، افزون بر گفتار و رفتار اصحاب پیامبر ﷺ، اجتهادات آنان نیز حجت شمرده شد و همه سخنان، افعال و تروک اصحاب پیامبر ﷺ از نظر اعتبار، در رده پسین سنت پیامبر ﷺ قرار گرفت و مستند فتواهای عالمان اهل سنت شد. این شیوه، حوزه معارف نقلی اهل سنت را گسترش داد و نیاز آنان را در موارد اتفاق نسبی اصحاب یا شهرت گفتاری یا رفتاری آنان برطرف ساخت. اختلاف نظر در میان اصحاب پیامبر ﷺ و عالمان دوره‌های اولیه، سبب پیدایش مشکلاتی در برخی از مباحث شد.

در حقیقت، دور شدن جامعه اسلامی از اهل بیت ﷺ سبب شد تا آنان به ناچار، با دستاویز قرار دادن اقوال و اجتهادات صحابه و تابعان، نیازهای معرفتی خویش را جبران کنند. غافل از این که صحابه و تابعان، انسان‌های عادی و معمولی بودند و حجت الهی محسوب نمی‌شدند. آنان آگاهی ویژه و ماورائی نداشتند تا آن را برای دیگران حکایت کنند. از این رو، بر اساس اجتهاد و نظر شخصی خویش سخن می‌گفتند که سبب پیدایش ناسازگاری‌هایی در متون کهن اسلامی شد. عالمان پسین نیز، به ناچار، اجماع عالمان یا اتفاق مردم مدینه را حجت معتبر دانسته و استناد بدان

را جایز شمردند. استناد مالک بن انس در کتاب موطأ به گفتار، رفتار و اجتهاد صحابه و تابعان، بیش از استناد به روایات نبوی است.

۳. اعتقاد به عدالت صحابه

مهم‌ترین ویژگی حدیث اهل سنت که در تمایز آشکار با حدیث شیعه قرار دارد، اعتقاد به عدالت اصحاب پیامبر ﷺ است. مراد از صحابه، کسانی هستند که در زمان مسلمانی خود، پیامبر ﷺ را حداقل یک بار دیده باشند. این افراد نزد اهل سنت، جایگاهی خاص داشته و همه گفتار و رفتار آنان صحیح تلقی شده و ارزیابی رجالی نمی‌شوند. گزارش آنان از سخنان و افعال پیامبر ﷺ معتبر بوده و پذیرفتنی است. اجتهاد آنان نیز معتبر و شایسته پیروی است، به گونه‌ای که صحابه حتی در صورت خطا در اجتهاد نیز مأجور بوده و ثواب خواهند برد. از دیدگاه محدثان اهل سنت، اصحاب پیامبر ﷺ نیاز به بررسی رجالی ندارند و وثاقت و عدالت همه آنان پذیرفته است. اهل سنت برای اثبات عدالت صحابه به دلایل قرآنی، روایی، اجماع و سیره استناد می‌کنند. این دلایل، بن‌مایه محکمی ندارند و از سوی برخی عالمان سنی و دانشمندان شیعه رد شده و ناستواری آن‌ها با دلایل معتبر روشن شده است. در میان اصحاب پیامبر ﷺ، منافقانی بودند که حتی برای شخص پیامبر ﷺ ناشناخته بودند:

وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النَّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ؛ و از (میان) اعراب بادیه‌نشین که اطراف شما هستند، جمعی منافقند؛ و از اهل مدینه (نیز)، گروهی سخت به نفاق پایبندند. تو آنها را نمی‌شناسی، ولی ما آنها را می‌شناسیم.^۱

افزون بر این، به سبب وجود اختلافات جدی در میان اصحاب پیامبر ﷺ که منجر به درگیری و حتی کشتار در میان آنان شده است، عدالت صحابه دچار ناهمگونی درونی جدی است.

۴. اثرپذیری از منع کتابت حدیث

نگارش و تدوین روایات پیامبر ﷺ که در زمان حیات ایشان آغاز شده بود، پس از رحلت ایشان از جانب حاکمان متوقف شد. زمزمه ناپسند بودن نگارش سنت نبوی در زمان حیات ایشان

نیز مطرح شده بود^۱ و با مخالفت جدی حضرت روبرو شد و ادامه نیافت. این نظر در زمان خلیفه اول اوج گرفت و در دوره خلیفه دوم به عنوان قانون ابلاغ شد. قانون منع نگارش احادیث نبوی، حدود ۸۵ سال رایج بود و سرانجام توسط عمر بن عبدالعزیز (م ۱۰۱ هجری) رسماً لغو شد.

دوره طولانی منع تدوین حدیث، تقریباً سه نسل از مسلمانان را در بر گرفت. به گونه‌ای که پس از برداشته شدن قانون منع نگارش احادیث نبوی در آغاز سده دوم هجری، صحابه و اکثریت تابعان، مرده بودند و نسل بعدی نیز دوران آموزشی خود را پشت سر نهاده بود. افزون بر آن، رواج فرهنگ نقل شفاهی و به حافظه سپاری به جای کتابت، سبب افزایش اعتماد به گفته‌های پیشینیان شده بود. این رویکرد، خطای حافظه و پدید آمدن آفت فراموشی را با ورود به سنین کهنسالی به همراه داشت. بنا بر این، آسیب‌های فراوان متنی در گزارش‌های حدیثی وجود داشت که با افزایش واسطه‌ها افزون می‌گشت. این شیوه، همچنین راه را برای نفوذ گزارش‌های جعلی به متون حدیثی، در سال‌های پس از رحلت پیامبر ﷺ فراهم کرده بود که سبب کاهش اعتماد به احادیث می‌شد.

جلوگیری از کتابت و تدوین حدیث، آسیب‌های جدی و جبران‌ناپذیری بر فرهنگ حدیثی اهل سنت وارد ساخت. نقل به معنای شفاهی روایات نبوی،^۲ سبب تضعیف متون حدیثی و کاهش ارزش و اعتبار متون مقدس شد. به راستی آیا می‌توان به نقل شفاهی دو یا سه نسل، افرادی که مصون از خطا، فراموشی، حب و بغض، و دیگر داورهای طبیعی انسانی نبودند، بی‌چون و چرا و به گونه مطلق، استناد کرد؟

از دیگر آسیب‌های پدیدآمده در دوره معاصر که برخاسته از ممنوعیت نگارش و تدوین حدیث است، القای بی‌اعتمادی به فرهنگ حدیثی اهل سنت است. برخی مستشرقان با تحلیل فاصله صد ساله صدور حدیث نبوی و نگارش آن، متون روایی و مقدس اهل سنت را برگرفته از فرهنگ رایج مردم آن دوره دانسته و بذریعۀ اعتمادی نسبت به آن متون را در اذهان مردم کاشتند. عالمان اهل سنت، در پاسخ به این اشکال و برای اثبات کتابت حدیث، برخی موارد نادر نگارش حدیث در

۱. برای نمونه، در باره نگارش سخنان پیامبر ﷺ توسط عبدالله بن عمرو عاص و اعتراض قریش بر او ر.ک: (تقیید العلم، ص ۸۸-۸۱) و نیز در باره جلوگیری خلیفه دوم از نوشتن وصیت پیامبر ﷺ ر.ک: (صحیح بخاری، ج ۱، ص ۵۴).

۲. نقل به معنا اگرچه در کتابت حدیث جایز شمرده شده است ولی در گزارش‌های شفاهی، خطر تحریف را بیشتر می‌کند.

صدر اسلام را مطرح کرده‌اند.^۱ این موارد بسیار اندک و ناچیز، نمی‌توانند فرهنگ مکتوب حدیثی اهل سنت را اثبات کنند، زیرا در مدتی طولانی و نزدیک به یک قرن، تنها پنجاه کتاب کوچک و خُرد حدیثی گزارش شده است که نشانگر نادر بودن نگارش حدیث در آن دوران دارد.

۵. نبود احادیث تقیه‌ای

در دوره زندگی پیامبر ﷺ، مانعی برای اظهار واقعیت و حقیقت از سوی ایشان نبود و در نتیجه نیازی به صدور احادیث تقیه‌آمیز نبود. پس از ایشان نیز زمان صدور حدیث از معصوم، بنا بر نظر اهل سنت، پایان یافته بود. همراهی عالمان اهل سنت با حاکمان و توده مردم و تحمیل عقاید و باورهای حکومت بر جامعه مسلمانان، سبب شد تا عالمان و مردم موافق با صلاح‌دید حاکمان نظر دهند و مطابق با نظر آنان تصمیم بگیرند. از این‌رو، صحابه و تابعان سخنی خلاف دیدگاه آنان اظهار نمی‌کردند. اگرچه با سکوت خویش، جریان حاکم در جامعه را تأیید و از مبارزه با آن اجتناب می‌کردند. بدین جهت، روایات تقیه‌ای در فرهنگ حدیثی اهل سنت جایگاهی ندارد، زیرا در سال‌های پس از رحلت نبی مکرم اسلام ﷺ، صحابه و تابعان آگاهی ویژه‌ای از واقعیات ماورایی نداشتند که در صورت مطابقت نداشتن با فرهنگ عمومی، سکوت کنند یا خلاف آن واقعیات سخن بگویند.

۶. پیدایش روایات ساختگی

باور به عدالت صحابه، همراه با پیدایش روحیه اطاعت‌پذیری مطلق از حاکمان، زمینه را برای سوء استفاده قدرت‌مداران فراهم ساخت. بالا بودن ارزش و اهمیت متون مقدس و اثرگذاری سخنان منسوب به پیامبر اکرم ﷺ بر جامعه، سبب شد تا برخی، منافع شخصی و گروهی خود را بر سعادت اخروی خویش ترجیح داده، به جعل متون مقدس‌نما دست یازند. قدرت حاکم نیز برای تحکیم پایه‌های قدرتی خویش، نیازمند انحراف فرهنگ و باور عمومی جامعه از مسیر هدایت نبوی به مسیر استقرار حاکمیت خود بود.

سیاست منع تدوین حدیث در کنار اعتقاد به عدالت صحابه و درخواست‌های حاکمان برای پیشبرد اهداف سوء خویش، سبب پدید آمدن باورهایی ناهمگون با تعلیمات نبی مکرم اسلام، آیات قرآن و عقل فطری انسانی شد. منشأ بسیاری از عقاید ناروا همچون اعتقاد به جبر و قضا و

۱. ر.ک: السنة قبل التدوین، محمد عجاج خطیب؛ تدوین السنة، ابراهیم فوزی. آقای محمد رضا حسینی جلالی در کتاب تدوین السنة الشریفه در باره مدعیان این سخن و پاسخ آن به تفصیل مطالبی را بیان کرده‌اند.

قدر انحرافی که اختیار انسان در رفتار خود را نفی می‌کند، جسمانی شمردن خدا و ... از جمله این عقاید و باورها بود.

از سوی دیگر، سیاست حاکمان نیز بر آن بود که داوری اهل بیت علیهم‌السلام را در این دوره محدود کنند. از این رو، تا زمان امامت امام باقر علیه‌السلام، مراجعه به امامان معصوم اندک بود.

برساختن فضایل و مناقب حاکمان نیز در این دوره رو به فزونی نهاد. گزارش‌هایی در جامعه اسلامی رواج یافت که به گونه عام به ستایش حاکمان و لزوم اطاعت از آنان پرداخته و یا به صورت خاص فضیلت‌هایی را برای هر کدام از آنان بیان می‌کرد. روند حدیث‌سازی آن قدر ادامه یافت که حتی در فضایل معاویه نیز احادیثی جعل شد. او که بیست و یک سال از دوره بیست و سه ساله پیامبری پیامبر اسلام را با ایشان جنگیده بود و در سال هشتم هجری و پس از فتح مکه به ناچار و برای فرار از اعدام، به ظاهر ادعای اسلام کرد.

فرمان عمر بن عبدالعزیز به نگارش حدیث در آغاز سده دوم هجری، سبب مکتوب شدن و ماندگار شدن این متون در گنجینه احادیث اهل سنت و نهادینه شدن آن‌ها در باور و فرهنگ مسلمانان شد. امام باقر علیه‌السلام با اشاره به این گزارش‌های ناراست، پذیرش آن در دوره‌های بعدی را ناشی از محیط جعل آفرینی بنی امیه می‌شمارد.^۱

۷. گسترش اسرائیلیات

عالمان یهودی (احبار) تازه‌مسلمان در دوره خلیفه دوم و سوم، آزادی عمل بسیار یافتند. پس از آن در دربار معاویه جایگاهی خاص پیدا کرده و نزد حاکمان محترم شلند. از آن جا که این گروه اهل کتاب بودند و از حوادث مربوط به پیامبران پیشین آگاهی بیشتری داشتند، اطلاعات و جزئیات بیشتری درباره پیامبران و اقوام آنان در قالب داستان برای مسلمانان عادی بیان می‌کردند. حمایت حاکمان از قصه‌گویی آنان، سبب نفوذ فرهنگ اساطیری بنی اسرائیل در فرهنگ مسلمانان شد. پراکنده شدن اسرائیلیات در جامعه اسلامی، ناسازگاری‌های متنی برخی گزارش‌ها با آموزه‌های قرآنی و عقلی را در پی داشت. با گسترش فرهنگ یهودی در میراث اهل سنت، مطالبی در اذهان مسلمانان رنگ و لعاب دینی به خود می‌گرفت که خلاف شأن پیامبران معصوم بود.

۱. ر.ک: شرح ابن ابی الحدید: ج ۱۱ ص ۴۳.

ب. مرحله گزارش

اگرچه دوره پیدایش حدیث اهل سنت کوتاه بود، ولی به سبب همراهی حاکمان و اکثریت جامعه در مرحله گزارش و نگارش، بروز بیشتری نسبت به روایات شیعه داشته است. ویژگی‌های حدیث اهل سنت در مرحله گزارش به شرح زیر است:

۱. گزارش شفاهی

کتابت و تدوین حدیث در سده نخست هجری رواج چندانی نداشت، ولی نقل حدیث به صورت سینه‌به‌سینه جایگاه خود را در میان مسلمانان حفظ کرده بود. از این رو، سماع و قرائت در میان اهل سنت جایگاهی شایسته یافت و به سیره‌ای رایج تبدیل شد. اهمیت سماع تا حدی بود که پس از دوره تدوین نیز همچنان در میان تمام محدثان اهل سنت به کار می‌رفت. اهمیت گزارش شفاهی نزد محدثان اهل سنت بسی بیشتر از گزارش مکتوب بود. بر این اساس، در بحث طرق تحمل حدیث در میان اهل سنت، کتابت در مرحله پایین‌تری از سماع قرار می‌گیرد. این شیوه با شیوه رایج در فرهنگ مکتوب حدیثی شیعه، متفاوت است.

۲. گستره جغرافیایی وسیع

گستره جغرافیایی مناطق مسلمان‌نشین در دو سده نخست هجری بسیار وسیع بود. در نیمه دوم قرن دوم هجری که دوران شکوفایی احادیث اهل سنت بود، بسیاری از مناطق خاورمیانه، شمال آفریقا و حتی جنوب اروپا، مناطقی مسلمان‌نشین به شمار می‌آمدند. در این دوره، حوزه‌های حدیثی فراوان در شهرهای مختلف تشکیل شد که نشان‌گر علاقه‌مندی مسلمانان آن مناطق به فراگیری حدیث است. از این رو، اسامی افرادی همچون ابن حزم اندلسی یا ابن عبد ربّه اندلسی غریب جلوه نمی‌کند. برخی از مناطق همانند مدینه، بصره، کوفه، بغداد، خراسان، شام، مصر و آفریقا، حوزه‌های حدیثی گوناگون و متفاوت داشتند. از این میان، در بغداد، گروه‌های متفاوت حدیث‌پژوه و حدیث‌نگار سنی حضور داشتند که طیفی گسترده را تشکیل می‌دادند.

۳. رحلات حدیثی^۱

تلاش و دغدغه برای فراگیری حدیث و آموختن آن به دیگران در میان محدثان، پیشینه‌ای کهن دارد. شیوه‌های گوناگون تحمل حدیث نیز در گسترش فرهنگ حدیثی در جامعه اسلامی تأثیری شگرف داشته است. محدثان اهل سنت گاه برای شنیدن حدیث، سفری طولانی را بر خود تحمیل می‌کردند. ثمره این‌گونه تلاش‌ها پیدایش «رحلات حدیثی» بود. رفت و آمد محدثان به

۱. رحل به معنای کوچ و سفر است. رحلات حدیثی، جمع رحله به معنای سفر برای حدیث آموزی است.

سرزمین‌های مختلف برای شنیدن و گفتن حدیث، فرهنگ حدیثی را در آن سرزمین‌ها گسترش داد. محدثان بزرگ حدیثی اهل سنت، سرزمین‌هایی دور مانند خراسان، بغداد، مصر، شام، بصره و ... را در می‌نوردیدند. ثمره این سفرها آن بود که نسل سوم و چهارم محدثان بزرگ اهل سنت از سرزمین‌های دورافتاده و یا نومسلمان همانند بخارا و نیشابور باشند.

۴. حمایت حاکمان و اکثریت جامعه

با چشم‌پوشی از سده نخست هجری می‌توان ادعا کرد که در بیش‌تر دوره‌ها، حدیث و محدثان سنی از سوی جناح حاکم حمایت می‌شدند. محدثان نیز در اثر این حمایت، آزادی عمل یافته و فعالیت‌های حدیث‌پژوهی خود را گسترش می‌دادند. با آن‌که آزادی عمل آنان در همه دوره‌ها همه‌جانبه نبود و آنان مجاز به گفت و شنود حدیث در همه زمینه‌ها، از جمله فضایل اهل بیت (علیهم السلام)، نبودند، ترویج فرهنگ حدیثی در جامعه و تمایل مردم به یادگیری آن، زمینه را برای گسترش معارف حدیثی در لایه‌های متفاوت اجتماع فراهم ساخت. نوجوانان و جوانان تیزهوش و پرحافظه به یادگیری حدیث پرداخته و نسلی پرشمار از حدیث‌دانان و حدیث‌خوانان را تشکیل دادند. حمایت اکثریت مردم که بر اساس آموزه‌های حدیثی خویش، نگاهی قداست‌گونه به آن‌ها داشتند، زمینه فعالیت آنان را بیش از پیش فراهم می‌ساخت. محدثان در بیش‌تر دوره‌ها با استقبال حاکمان و همراهی اکثریت جامعه روبه‌رو بودند که سبب دلگرمی فراوان و اهتمام بیشتر آنان می‌شد. در مقابل، محدثان و راویان شیعی از سوی حاکمان و توده سنی به شدت تحت فشار بودند و مجال اندکی برای فعالیت داشتند. جامعه مخاطب محدثان شیعی، شیعیانی بودند که از نظر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، محدودیت فراوان داشتند. در چنین شرایطی، تلاش و فعالیت عالمان و محدثان شیعی در راه نشر و گسترش معارف اهل بیت (علیهم السلام) دشوارتر بود.

۵. تساهل اولیه و سخت‌گیری پسین

دیدگاه حسن ظن به صحابه^۱ در دوره اولیه حدیث، در سده دوم و سوم به دیدگاهی سخت‌گیرانه در مواجهه با راویان حدیث تبدیل شد. کسانی که زمانی با استدلال به لزوم بقای سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در

۱. برای نمونه ر.ک: «عقیده اهل السنة والجماعة فی الصحابة الکرام»، نوشته ناصر بن علی عائض در توجیه اعمال و سخنان معاویه، عمرو عاص، خالد بن ولید و ...؛ همچنین رجوع شود به «موسوعة الدفاع عن صحابة رسول الله (صلی الله علیه و آله)»، نوشته دکتر عبد القادر بن محمد، جلد سوم، در ارتباط با توجیه اعمال و اقوال ابو هریره، سمرة بن جندب و مغیره بن شعبه. این رویکرد در برخی از موارد تأثیر خاص خود را نشان می‌دهد. برای نمونه، گزارش جعلی خواستگاری امیر المؤمنین (علیه السلام) از دختر ابو جهل و جبهه‌گیری شدید پیامبر (صلی الله علیه و آله) و حضرت فاطمه (علیها السلام) در بیش‌تر کتاب‌های حدیثی

تمام صحابه را عادل می‌شمردند، نسبت به راویان سده دوم هجری سخت‌گیری می‌کردند و با اندک اتهامی، روایات آنان را ضعیف می‌شمردند. این سخت‌گیری در باره راویان فرقه‌های غیر سنی بسیار شدیدتر بود. بسیاری از راویان تنها به دلیل تمایل به شیعیان دوازده امامی با اتهام «رافضی» و یا «قول به رجعت» تضعیف می‌شدند.

۶. شمار فراوان اسناد و طرق

پراکندگی جغرافیایی و نقل روایات توسط راویان سرزمین‌های متفاوت، پراکندگی سندی را در پی داشت. بنا بر تعریف اهل سنت، تغییر یک فرد از افراد واقع در زنجیره اسناد، سبب پدید آمدن زنجیره‌ای جدید برای متن حدیث می‌شد و آن را از متون دیگر متمایز می‌ساخت. آنان متن مشترک با زنجیره جدید را حدیث جدید می‌شمردند و بر شمار احادیث پیشین می‌افزودند. گاه در سخنان راویان و محدثان، از شمار فراوان حدیث همانند ششصد هزار یا یک میلیون حدیث سخن رفته است.

مقصود محدثان و راویان اهل سنت از شمار فراوان احادیث، متون روایی جدید نیست؛ بلکه در حقیقت، مراد آنان شمارش اسناد متفاوت برای متون مشابه بوده است. نویسندگان و محدثان منضبط^۱ تلاش می‌کردند تا از مجموعه طرق فراوان در دسترس، بهترین طریق را برگزینند و آن را گزارش کنند.

برخی از پژوهشگران گمان کرده‌اند که مقصود از ششصد هزار یا یک میلیون حدیث در سخنان محدثان اهل سنت، شمار متون روایی است. آنان در ادامه این پندار، این شمار حدیث را جعلی شمرده و بر محدثان اهل سنت خرده گرفته‌اند که چرا در گذر روزگار، شمار متون حدیثی این مقدار افزایش پیدا کرده و احادیث جدید جعل شده است. توجه به فرهنگ حدیثی اهل سنت، نادرستی این پندار و تحلیل را روشن می‌سازد.^۲

اهل سنت به نقل از مسور بن مخرمه نقل شده است در حالی که این شخص در سال دوم هجری در مکه متولد و بزرگ شده و ساکن مدینه نبویه است. او در هنگام رحلت پیامبر ﷺ حداکثر هشت سال داشته است. گرایشات ضد علوی داشته و از مشاوران عثمان، معاویه و عبد الله بن زبیر بوده است. با این وجود تنها به دلیل آن‌که در کودکی، پیامبر ﷺ را ملاقات کرده است از گرایشات فرقه‌ای او سخنی به میان نمی‌آید.

۱. مراد، راویانی است که در ضبط و نقل حدیث، دقیق بودند.

۲. این سخن به معنای نفی احادیث مجعول نیست؛ به دلایل مختلف، شمار روایات مجعول در فرهنگ حدیثی اهل سنت و حتی مصادری که با عنوان صحیح شناخته می‌شوند فراوان است.

۷. قدمت مباحث رجالی

مباحث رجالی و تحقیق در توثیق یا تضعیف راویان، در حوزه حدیثی اهل سنت پیشینه‌ای کهن دارد. عوامل و اسباب فراوانی نیاز راویان اهل سنت به مباحث رجالی را پدید آورده‌اند. فاصله گرفتن از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، گستره وسیع جغرافیایی، کثرت راویان و طولانی بودن برخی سلسله اسناد، نفوذ قصه پردازان، آشنا نبودن نومسلمانان مناطق جدید با فرهنگ دینی، تلاش فرقه‌های گوناگون برای تزریق تفکر خویش به بدنه توده اهل سنت، رایج نبودن فرهنگ نقد محتوایی و ... از جمله این عوامل هستند.

نخستین پژوهش‌ها و نگارش‌های رجالی در اوایل سده دوم هجری پدید آمدند، زیرا حدود دو نسل با اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله فاصله افتاده بود. در سال‌های بعد، شیوه‌ها، مبانی، راه‌کارها و نگاه‌های رجالی اندک اندک پیشرفته شدند. گفتنی است که پیشینه مباحث رجالی اهل سنت کهن‌تر از شیعیان است. زیرا اکثر روایات شیعی از صادقین علیهم السلام و در سده دوم هجری نقل شده و دوره صدور روایات آنان پس از دوره آغازین علم رجال در میان اهل سنت بوده است.

ج. مرحله نگارش

آثار روایی اهل سنت به دلیل کثرت جمعیتی، از نظر کمی دارای تنوع و تعدد در سبک نگارشی است. این نگارش‌ها پس از آزادسازی تدوین حدیث با شیب افزایشی رو به فزونی نهاد. هدف از نگارش‌های اولیه بیشتر حفظ و نگهداری روایات نبوی و کلمات صحابیان بود. اما مؤلفان و محدثان با گذشت زمان به تصحیح روایات و در ادامه به پردازش‌های تکمیلی - مانند مُستخرج و مُستدرک - روی آوردند. رویکرد تدوین جوامع فراگیر نیز از رویکردهای مهم ایشان در چند سده اخیر است. در ادامه به برخی از ویژگی‌های حدیث اهل سنت در مرحله نگارش اشاره می‌کنیم:

۱. مسندنویسی

اگر روایات یک راوی با اسنادش در یک مجموعه گردآوری و نگارش شود، به آن مسند آن راوی گفته می‌شود. شیوه مسندنویسی در میان محدثان اهل سنت، کهن و پر دامنه است. شاید تلاش محدثان برای جمع‌آوری روایات هر راوی در پیدایش این گونه نگارش‌ها دخیل بوده است. اولین مسانید^۱ در سده دوم هجری و پس از فرمان عمر بن عبد العزیز فراهم شد. مسند ابن حنبل (م ۲۵۶

۱. مساند جمع مسند است و معمولاً به صورت مسانید رایج شده که نادرست است. در این نوشتار نیز معمولاً از غلط مشهور استفاده شده و مسانید را به جای مساند به کار برده‌ایم. برای آگاهی بیش‌تر در این باره ر.ک: فرهنگ‌های زبان عربی.

هجری) مشهورترین مسند حدیثی اهل سنت است. مسند ابی یعلی، مسند حمیدی، معجم الکبیر طبرانی، المسند الجامع الکبیر و... از دیگر مسندهای مشهور حدیثی اهل سنت هستند. اشکال و ضعف اصلی در مسندنگاری آن است که احادیث هم‌مضمون و ناظر به یکدیگر از هم فاصله می‌گیرند و پژوهش حدیثی را مشکل می‌سازند. بدین سبب این شیوه نگارش در میان شیعیان رواج نیافته است.

۲. صحیح‌نگاری

جمع‌آوری و تدوین احادیث صحیح و معتبر از دیدگاه گردآورنده، شیوه‌ای مقبول و شایسته است. این گونه نگارش سبب اعتماد بیشتر مخاطب به متن شده و استفاده او از متون را آسان‌تر می‌کند. صحیح‌نگاری در میان محدثان اهل سنت رواج داشته است. صحیح بخاری، صحیح مسلم، الجامع الصحیح نوشته ترمذی، صحیح ابن حبان و صحیح ابن خزیمه از صحیح‌نگاری‌های مشهور نزد اهل سنت هستند. اعتبار کتاب صحیح تحت تأثیر تخصص، ضبط و مهارت نویسنده کتاب است و با توجه به دقت او در مبانی رجالی و شیوه اعمال مبانی بر مصادیق، افزایش یا کاهش می‌یابد. بر این اساس، صحیح بخاری نزد اهل سنت معتبرترین کتاب شمرده می‌شود، ولی کتاب صحیح ترمذی این گونه نیست. زیرا مبانی نویسنده کتاب اخیر دقیق نبوده و روایات حسن را نیز صحیح تلقی کرده و در کنار صحیح آورده است. عالمان اهل سنت کتاب‌های صحیح بخاری و صحیح مسلم را برترین کتب حدیثی می‌دانند و مشترکات این دو را بهترین متون حدیثی معرفی می‌کنند. البته تعصب، تصلب و نزدیکی به باورهای مطلوب حاکمیت و توده مردم هم در ترویج این کتاب‌ها نقش دارند.

گردآوری احادیث صحیح با دقت بسیار در اسناد روایات و با نگاهی نقدگونه به راویان انجام می‌شود. در این نگاشته‌ها تنها به سند روایات نظر می‌شود و از نقد محتوایی متون^۱ پرهیز می‌شود. از این رو، حتی در بررسی صحیح بخاری و مسلم، متون فراوانی به چشم می‌خورند که اسناد آنها نزد اهل سنت صحیح به شمار می‌روند ولی متن آنها نادرست و دور از عقل، منطق، علم، قرآن و سنت است.^۲ شیوه صحیح‌نگاری، با تأکید بر اسناد روایات، در میان عالمان شیعی رایج نبوده است. اگرچه ثقة الاسلام کلینی در کتاب کافی و شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه، به گزارش احادیث صحیح و معتبر نظر داشتند، ولی شیوه آنان در صحیح شمردن حدیث، مبتنی بر

۱. البته نقد محتوایی فرقه‌ها و مذاهب مخالف وجود داشته و دارد.

۲. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: سیری در صحیحین، محمدصادق نجمی.

روش‌های خاصّ قدما در تصحیح و تضعیف، به‌ویژه اعتماد بر کتب مشهور بوده است. حسن بن زین الدین (م ۱۰۱۱ هجری) فرزند شهید ثانی، کتاب حدیثی - فقهی خویش را به نام منتقى الجمان فی الاحادیث الصحاح و الحسان با شیوه‌ای نزدیک به شیوه اهل سنت نگاشته است.

درباره صحیح‌نگاری باید گفت که این روش، مزایا و معایبی دارد. از جمله معایب این روش می‌توان به امکان از دست رفتن متونی اشاره کرد که از نظر مؤلف صحیح نیستند ولی ممکن است از دیدگاه دیگران، شرایط لازم را برای اعتماد و اعتبار داشته باشند. حذف این متون از مجموعه روایات، منجر به از دست رفتن تدریجی متون معرفتی فراوانی می‌شود. با توجه به اعتبار صحیح بخاری و مسلم در میان اهل سنت، این آسیب در پژوهش‌های حدیثی آنان مشهود است. زیرا بسیاری از متون که با سلیقه این دو پژوهشگر حدیثی ناسازگار بوده، در این مجموعه‌ها گرد نیامده و گاه سبب کاهش اعتماد به آن متون شده است.^۱

البته نباید تنها معایب این روش نگارش را دید. این شیوه نگارش، فواید فراوانی نیز دارد که در برابر این فواید، حتی معایب آن نادیده گرفته می‌شود. جلب اعتماد مخاطب، دقت در انتخاب حدیث، روشن شدن معیارها و ... از جمله این فواید است. از این‌رو، شایسته است که نویسندگان شیعی نیز با توجه به فواید این نوع نگارش، به‌ویژه جلب اعتماد عمومی و سخن گفتن صریح درباره متون حدیثی، این شیوه نگارش را تجربه کنند و آسیب‌های محتمل در آن را نیز کاهش دهند. نکته قابل توجه در این‌گونه نگارش‌ها آن است که نقد محتوایی نیز باید در کنار نقد سندی مورد توجه قرار گیرد.

۳. شمار فراوان نگاشته‌ها

اگرچه نگارش حدیث در میان اهل سنت با تأخیر آغاز شد، ولی به دلیل تسهیل نگارش، شمار کتاب‌های حدیثی آنان فراوان شد. این نگاشته‌ها که هر کدام با شیوه خاص خود نوشته شده‌اند، منابع فراوانی را در اختیار محققان قرار داده است. فراوانی این نگاشته‌ها زمانی مهم جلوه می‌کند که بدانیم اهل سنت زمانی بسیار اندک از معصوم بهره برده‌اند و شمار روایات آنان بسیار کمتر از روایات شیعی است. بسیاری از این نگاشته‌ها، در واقع رونویسی از کتاب‌های پیشین یا مشهور است و هیچ فایده‌ای بر آن‌ها مترتب نیست. برای نمونه یکی از انواع نگارش‌ها، مستخرج‌نویسی است که معمولاً برای کتاب‌های حدیثی مشهور انجام می‌شود. نویسنده مستخرج، تمام روایات

۱. شمار فراوان روایاتی که در مصادر حدیثی دیگر با وصف صحیح معرفی شده‌اند نشان‌دهنده این آسیب است؛ (ر.ک: سلسلة الاحادیث الصحیحه، ناصرالدین الالبانی، ج ۵ - ۱).

موجود در کتاب مشهور را با سند خویش و متمایز از سند ارائه شده در متن اصلی، ارائه می دهد. این گونه نوشتار هیچ تأثیری در افزایش معرفت دینی و اعتماد به کتاب اصلی، مانند صحیح بخاری و مسلم، نخواهد داشت.

۴. شرح نویسی گسترده

توضیح و تبیین احادیث، به ویژه نسبت به روایات کتاب های مشهور و معتبر، همانند صحیح بخاری و مسلم، در میان اهل سنت رواج داشته است. شرح نویسی متون حدیثی نزد اهل سنت از سده چهارم هجری آغاز شده است. شرح و حاشیه نگاری بر کتاب صحیح بخاری، مجموعه ای بیش از چهارصد کتاب بزرگ و کوچک را تشکیل می دهد^۱ که در بسیاری از آن ها از شیوه های مقبول و منطقی استفاده شده است. نکته قابل توجه درباره این شرح ها آن است که بسیاری از این شروح، هم پوشانی داشته و نکته جدیدی را مطرح نکرده اند. مهم ترین و دقیق ترین شرح نویسی حدیثی را ابن حجر عسقلانی در کتاب فتح الباری فی شرح صحیح بخاری ارائه کرده است. نووی در شرح صحیح مسلم نیز شیوه ای همانند ابن حجر در پیش گرفته است.

۵. معرفی روایات ساختگی

عوامل گوناگونی در پلید آمدن و شیوع احادیث مجعول نقش دارند: گستردگی جغرافیایی، روایان مختلف با اندیشه های متفاوت، جناح بندی های جغرافیایی، مذهبی و سیاسی، قداست متون حدیثی و ... از عوامل پیدایش و گسترش روایات جعلی به شمار می روند. این آسیب که از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آغاز شده بود، در سال های پس از رحلت ایشان گسترش یافت. نگارش نشدن حدیث و رواج قصه گوئی و قصه پردازی در سده نخست هجری به گسترش جعل حدیث کمک کرد. محدثان اهل سنت در مقام برخورد با این آسیب جدی، نقد احادیث و جدا کردن احادیث صحیح از احادیث ضعیف و موضوع را وجهه همت خویش قرار دادند و کتاب های فراوانی درباره احادیث جعلی و ضعیف، به صورت گسترده یا موجز، نوشتند. کتاب هایی همچون الموضوعات ابن جوزی، تذکره الموضوعات مقدسی، الأباطیل جوزقانی، الاسرار المرفوعة ملا علی قاری و المنار المنیف ابن قیم از این جمله هستند. اگرچه شمار نگاشته های معرفی احادیث موضوع، فراوان و نشانه اهمیت دادن محدثان و پژوهشگران سنی به این آسیب است، ولی شیوه آنان در معرفی احادیث موضوع، قابل نقد است. آنان با بررسی اسناد روایات، حکم به جعل و وضع متون می کنند، در حالی که انکار استناد یک سخن به معصوم، نیاز به استدلال معتبر دارد. ضعیف بودن

۱. ر.ک: برنامه رایانه ای صحیح بخاری از مجموعه شركة الصخر العالمية.

برخی راویان یک سلسله سند نمی‌تواند جعلی بودن متن را اثبات کند. بنابراین اکثر روایات این کتاب‌ها، ضعیف هستند و حدیث جعلی به شمار نمی‌روند. افزون بر آن، تمایلات نویسندگان این کتاب‌ها نیز در جعلی شمردن متون روایی کاملاً محسوس است. لکن نقد محتوایی متون را به کناری می‌نهند، راویان فراوانی را تنها به صرف شیعه بودن آن‌ها، غیر موثق می‌دانند و در کمال تعجب، گاه روایات آنان را نیز ساختگی می‌شمارند.

گفتنی است که تعریف و ماهیت حدیث موضوع با حدیث ضعیف متفاوت است. مقصود از حدیث ضعیف، متنی است که از طریق غیر معتبر به دست ما رسیده و به خودی خود شرایط اعتبار را ندارد، هرچند با ضمیمه شدن قرینه‌هایی به مضمون آن، تقویت شود؛ ولی حدیث موضوع، متنی جعلی است که به دروغ به معصوم استناد شده است. اثبات جعلی بودن متن، نیازمند استدلال علمی و دلایلی منطقی است.

۶. تنوع نگارش

محدثان اهل سنت، گونه‌ها و شیوه‌های متفاوت نگارشی را تجربه کرده‌اند. نگارش حدیث به گونه‌ی مسندنویسی، صحیح‌نگاری، مصنف‌نویسی، جامع‌نگاری، مشکل‌الحدیث، اختلاف‌الحدیث، علل‌الحدیث، مستدرک‌نویسی، زوائدنویسی و ... از جمله گونه‌ها و شیوه‌های متفاوت نگارشی حدیث در میان اهل سنت است.

۷. اندک بودن دعانگاری

برخلاف شیعیان که به دعا و مناجات اهمیت فراوان می‌دهند و نگاشته‌ی فراوانی در این موضوع دارند، مجموعه‌های دعایی اهل سنت بسیار کم‌برگ و بار است. شمار متون نگاشته‌ی شده‌ی اهل سنت درباره‌ی دعا بسیار اندک و حجم آن‌ها نیز بسیار محدود است. دوره‌ی کوتاه‌مدت، (ده ساله) حضور پیامبر ﷺ در مدینه و گزارش اندک روایات نبوی در این موضوع، سبب اندک شدن نگاشته‌های دعایی است. فقر اهل سنت در این زمینه از یک سو و نیاز فطری انسان به دعا که تجلّی روح پرستنده‌ی انسانی است، از سوی دیگر سبب گرایش افراد غیرمتعصب سنی به ادعیه‌ی شیعه شده است. زیارت‌نگاری نیز در میان اهل سنت جایگاهی ندارد. در مقابل، شیعیان به دعا و زیارت، بسان متونی معرفتی و انسان‌ساز، توجهی ویژه داشتند و سبک دعانگاری و مزارنویسی در میان آنان رایج بوده است.

نتیجه گیری

حدیث اهل سنت نیز مانند حدیث شیعه دارای ویژگی های منحصر به فردی است. این ویژگی ها را می توان در سه مرحله پیدایش، گزارش و نگارش کاوش نمود. این پژوهش به صورت موجز و خلاصه به بیست و یک ویژگی حدیث اهل سنت اشاره کرده است.

مرحله پیدایش: در این مرحله، حدیث اهل سنت دارای ویژگی هایی چون گستره زمانی محدود، اعتماد به قول صحابه، اعتقاد به عدالت صحابه، اثرپذیری از منع کتلت حدیث، نبود حدیث تقیه ای، پیدایش حدیث ساختگی و گسترش اسرائیلیات است. باورهای اعتقادی و کوتاه بودن دست ایشان از اهل بیت به عنوان شارع، سبب شد که به سراغ جایگزینی صحابه بروند. از این رو، شرایط سیاسی و فرهنگی نیز در پیدایش برخی از این ویژگی ها بسیار مؤثر بوده است.

مرحله گزارش: در این مرحله می توان به هفت ویژگی حدیث اهل سنت اشاره کرد که از اهمیت بسزایی برخوردارند: اهتمام ویژه به گزارش شفاهی، گستردگی مناطق جغرافیایی، رحلات حدیثی، حمایت حاکمان و اکثریت جامعه، تساهل اولیه و سخت گیری پسین، شمار فراوان اسناد و طرق و قدمت مباحث رجالی.

مرحله نگارش: در این مرحله شاهد یک خیزش و گسترش نگارش و تنوع سبک های نگارشی هستیم. جمعیت گسترده اهل سنت و همسویی حاکمان و حکومت ها در افزایش تألیف ایشان مؤثر است. ویژگی های حدیث اهل سنت در مرحله نگارش عبارتند از: مسندنویسی، صحیح نگاری، شمار فراوان نگاشته ها، شرح نویسی گسترده، معرفی روایات ساختگی، تنوع نگارش و اندک بودن ادعیه نگاری.

فهرست منابع

۱. تدوین السنة الشریفة، محمدرضا حسینی جلالی، قم: مکتب الإعلام الاسلامی، مرکز النشر، ۱۴۱۸ق.
۲. تدوین السنة، ابراهیم فوزی، ریاض: الریس للکتب و النشر، ۱۹۹۵م.
۳. تقييد العلم، أبوبکر أحمد بن علي بن ثابت بن أحمد بن مهدي الخطيب البغدادي، بيروت: إحياء السنة النبوية، بی تا.
۴. سبک شناخت کتب حدیث، مهدی غلامعلی، قم: دانشگاه قرآن و حدیث/ سمت، ۱۳۸۸ش.
۵. سلسله الاحادیث الصحیحه، ناصرالدین الالبانی، ریاض: مکتبة المعارف للنشر والتوزيع، ۱۴۱۵ق.
۶. السنة قبل التدوین، محمد عجاج خطیب، قاهره: مکتبة وهبة، ۱۴۰۸ق.
۷. سیری در صحیحین، محمد صادق نجمی، قم: جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳ش.
۸. شرح ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، قم: مکتبة آية الله العظمی المرعشي النجفي، بی تا.
۹. صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل، مصر: وزارة الأوقاف. المجلس الأعلى للشئون الإسلامية. لجنة إحياء كتب السنة، ۱۴۱۰ق.

